

### " جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد! "

### خواست قلبی توده ها

توانست بداند که نه دارو دسته حاکم هرگز اجازه چنان تظاهراتی را می داد و نه موقعی که توده ها در خیابان حضور یابند، اصلاح طلبان قادر به کنترل شعارها و مقابله قهرآمیز آنها با نیروهای سرکوبگر خواهند بود، جز برای سرگرم کردن و بازی دادن مردم نبود که البته در ضمن اصلاح طلبان ریاکار از این طریق هم می کوشیدند که خود را در کنار مردم و همراه با آنان نشان دهند. در حقیقت، این تاکتیک دغلاکارانه دقیقاً به قصد فریب توده ها اتخاذ شده بود و به هیچ وجه نباید آن را به حساب بلاهت این دارودسته گذاشت.

اتخاذ تاکتیک فوق از بلاهت اصلاح طلبان سرچشمه نگرفته بود. چرا که صرفنظر از هر دلیل دیگری، روابط طولانی مدت موسوی با دستگاه دولتی و تلاش های بی وقفه او و دیگر اصلاح طلبان در حفظ نظام سرمایه داری موجود، و همچنین "خودی" بودن و عضویتشان در " خانواده نظام"، این حد از واقعیت را به آنها نشان داده بود که در شرایطی که "بیت رهبری" از هر نوع تجمع مردم گریزان است، امکان ندارد که مجوز برپائی تظاهرات را برای آنها صادر کند. از طرف دیگر خودشان حداقل در جریان سخنرانی احمدی نژاد در خرمشهر شاهد بودند که اراجیف او نه تنها کمترین توجهی را به خود جلب ننمود، بلکه فریاد "بیکاریم، بیکاریم" توده زحمتکش عاصی که در پشت آن هزاران سخن ناگفته و خشم شدید حکومت سوز قرار دارد، فضا را پر کرد. آیا در چنین شرایطی موسوی و همدستانش جرأت جمع کردن چنین توده عاصی و طغیانگر را داشتند؟ چگونه می خواستند به آن فریاد های " بیکاریم، بیکاریم" زحمتکشانش پاسخ دهند و آیا به طور کلی، اصلاح طلبان در برابر موج گسترده بیکاری در جامعه راه حلی دارند؟ پاسخ منفی به همه این ها نشان می دهد که **موسوی و همپالکی هایش نه به خاطر همراهی با مردم تحت ستم ما و کمک به پیشبرد مبارزات آنان بلکه تنها برای فریب و سرگرم کردن آنها چنان ترفندهائی را بکار می برند. در واقعیت امر، اصلاح طلبان در شرایط کنونی برای خود وظیفه ای جز نجات نظام فاسد و گنبدیده جمهوری اسلامی که در حال غرق شدن در دریای نارضایتی و عصیان توده ها است، قایل نیستند.**

حقیقت آن است که هر دو جناح رژیم به یک منظور و برای پیشبرد یک هدف واحد ضد خلقی، نقش های متفاوتی را در مقابل توده های مبارز ایران به عهده گرفته و مشغول انجام آن هستند. از اینجاست که باید هر چه بیشتر بر اهمیت ضرورت شعار " جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" تأکید نمود. در این شعار است که خواست قلبی مردم مبارز ایران در شرایط کنونی، به گویا ترین شکلی تبلور یافته است.

با گذشت یک سال از خیزش بزرگ توده های تحت ستم ایران، وقتی صحنه سیاسی جامعه را در ارتباط با عملکردهای دو جناح اصلی رژیم جمهوری اسلامی یعنی جناح خامنه ای- احمدی نژاد و جناح اصلاح طلبان و از جمله موسوی و کروبی و خاتمی و غیره در این یک سال از نظر می گذرانیم، تصویری از تلاش های متحدانه این دو جناح(البته با روش های متفاوت) برای مقابله با مردم و جهت به عقب راندن و جلوگیری از مبارزات تا پای جان آنان، آشکارا در برابر دیدمان قرار می گیرد. در این تصویر از یک طرف توده های میلیونی ایران که از مظالم سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه و سرکوبگری ها و اعمال به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی، کارد به استخوانشان رسیده است را می توان دید که منتظر روزنه و شکافی هرچند کوچک در سد دیکتاتوری حاکم و به طور کلی فرصتی هستند تا شدت خشم انقلابی خویش بر علیه نظم ضد خلقی حاکم را آشکار ساخته و هرچه نشانی از این نظم دارا است را به آتش کشند، و از طرف دیگر جناح های رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار دارند که هر یک جهت خاموش کردن آتش مبارزات انقلابی مردم با همه قوا کوشیده و برای این منظور نقش های متفاوتی را به عهده گرفته اند. این تصویر نشان می دهد که **در یک سال گذشته جناح غالب در حکومت با درک این واقعیت که کوچکترین عقب نشینی در مقابل توده های پیاخاسته، به آنها فرصتی برای شدت بخشیدن به جنبش خویش و در هم پیچیدن طومار عمر ننگین تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را خواهد داد، سرکوب هر چه بی رحمانه تر و وحشیانه تر توده ها را در سرلوحه کار خود قرار داده اند؛ و جناح اصلاح طلب با افراد سرشناس اش چون موسوی و کروبی و خاتمی درست برای خدمت به همان هدف و منظوری که رقیبانشان در جناح دیگر تعقیب می کنند، به ایفای نقش مکمل سرکوب توده ها پرداخته و به وظیفه فریب و به کجراه بردن مبارزات توده ها به مثابه یکی دیگر از وسایل اعمال سلطه ضد خلقی و حکومت بر مردم عمل می کنند.**

یکی از واضح ترین نمونه دغلاکاری و شاهدهی از روش های فریبکارانه اصلاح طلبان را می توان در تاکتیک اخیر آنان مبنی بر اعلام تلاش برای گرفتن اجازه "تظاهرات قانونی" در سالگرد جنبش اخیر مردم و سپس عدم برگزاری چنان تظاهراتی از طرف آنان، مشاهده نمود. آنها با این که کاملاً بر این امر آگاه بودند که دیکتاتوری حاکم برای حفظ خود بیش از هر وقت دیگر به سرکوب شدید توده ها و سیطره جو اختناق در جامعه توسل جسته است، و در نتیجه اجازه برپائی تظاهرات- هر چند به اصطلاح "قانونی"- را به آنها نخواهد داد، اعلام کردند که چنین درخواستی را مطرح کرده اند. واضح است که اعلام چنان خواستی، در شرایطی که هر کودک دبستانی هم می





## کارگران شریف و مبارز بنگلادش دوباره به پا می خیزند

دست در دست سرمایه دارهای خارجی برای کارگران پدید آورده لازم است به توصیف آموزنده ای که یکی از کارگران این کشور ار وضع خود نموده، توجه شود. شانا دختر ۱۸ ساله ای که از ۱۵ سالگی در یکی از کارخانه های تولیدی مشغول به کار بوده و هم اکنون نیز هست می گوید: "ما از ساعت ۸ صبح تا ۱۰ شب و خیلی وقت ها تا ۱۲ نیمه شب، هر روز هفته بدون هیچ تعطیلی کار میکنیم. من تا کلاس نهم درس خواندم اما متاسفانه به علت فقر خانواده نتوانستم تحصیلاتم را ادامه دهم. با اضافه کاری که می کنم در ماه ۴۴/۶۰ دلار حقوق میگیرم، مادرم هم در کارخانه کار میکند اما هنوز حقوق ما کفاف مخارجمان را نمی دهد. در خانه محقری که زندگی می کنیم به سختی امرار معاش می کنیم. خوراک ما غالباً برنج و سیب زمینی است و شاید در ماه بتوانیم یکبار گوشت تهیه کنیم. قیمت مواد خوراکی در دو سه سال گذشته ۱۰۰٪ بالا رفته است. ما در اینجا امنیتی هم نداریم، چند ماه پیش وقتی ساعت ۱۲ نیمه شب به خانه می رفتیم و تازه حقوقم را دریافت کرده بودم مورد حمله سارقین قرار گرفتم و هر چه گریه کردم که ما فقیریم و از گرسنگی می میریم فایده ای نکرد و آنها همه حقوقم را از من گرفتند. فقر، زندگی ما را نابود کرده است. در محیطی که زندگی میکنیم ۵ خانواده به نوبت باید از یک دستشویی و یک آشپزخانه استفاده کنند. اگر حقوق ما کمی اضافه شود شاید بتوانیم هفته ای یکبار گوشت بخوریم و داروهای مادرم را خریداری کنیم، الان خیلی اوقات مجبور هستیم پول قرض کنیم."

بدنبال عدم قبول در خواست کارگران مبنی بر اضافه شدن حقوق ناچیزشان از سوی کارخانه داران، در روز دوشنبه ۲۱ جون ۲۰۱۰، دامنه تظاهرات کارگران به خیابان ها کشیده شد و ده ها هزار تن از کارگران مبارز، با نشان دادن خشم و نفرت خود نسبت به سرمایه داران و دولت حامی آنان، ماشین ها و ساختمان های دولتی را مورد حمله قرار داده و خیابان های اصلی شهر را مسدود کرده و با نیروهای سرکوبگر دولتی به مقابله برخاستند. پلیس مزدور سرمایه، کارگران را با باتوم و گاز اشک آور و شلیک گلوله های پلاستیکی مورد یورش قرار داد و بیش از ۲۰۰ کارگر و ۴۰ پلیس در این تظاهرات زخمی شدند.

مبارزات دلاورانه و متحدانه کارگران ستمدیده در بنگلادش لرزه بر اندام سرمایه داران داخلی و خارجی انداخته است. از این رو آن ها اینچنین افسار گسیخته این کارگران شریف، که تنها خواسته شان در شرایط فعلی افزایش دستمزد های ناچیزشان می باشد را مورد سرکوب وحشیانه قرار میدهند.

هزاران کارگر زن کارگاه های تولیدی پوشاک بنگلادش در تاریخ ۲۱ جون، در اعتراض به شرایط بسیار بد محیط کار و ناچیز بودن سطح دستمزد هایشان، یکی از وسیعترین اعتراضات خیابانی را در شهر داکا پایتخت این کشور سازمان دادند. خواست اصلی این کارگران اضافه شدن دستمزد شان از ساعتی ۱۱/۳۰ سنت به ۴۳ سنت می باشد که شاید بدین طریق از فقر مطلق نجات پیدا کنند. دامنه این اعتراضات تا کنون به بیش از ۳۰ کارخانه کشیده شده است. در واقع کارگران بنگلادشی از زمره فقیرترین کارگرانی هستند که یکی از پایین ترین سطح دستمزدها در جهان را دریافت میکنند و حقوق انسانی اشان به وحشیانه ترین شکلی توسط سرمایه داران زانو صفت پایمال میشود. این اعتراض کارگری در شرایطی رخ داده است که تولیدات بیش از ۴۵۰۰ کارخانه تولیدی پوشاک با ۲/۵ میلیون کارگر که اکثر آن ها را کارگران زن تشکیل میدهند بیش از ۸۰٪ از صادرات بنگلادش را تشکیل میدهد. اما بورژوازی این کشور که روابط تنیده ای با سرمایه های اروپائی و آمریکائی دارد با سوء استفاده از نیروی کار ارزان کارگران بنگلادشی، شرایط بسیار ناهنجاری را از لحاظ کاری بر کارگران رنجدیده این کشور تحمیل کرده اند. یکی از این سرمایه داران کمپانی آمریکائی وال-مارت می باشد که هزاران کارگر بنگلادشی را در مقابل حقوقی بس ناچیز مورد وحشیانه ترین نوع استثمار قرار داده است.

برای درک شرایط ظالمانه ای که بورژوازی انگل صفت این کشور

### جنایت وحشیانه دولت هندوستان.... از صفحه آخر

کرنا فرآوان، هندوستان را بزرگترین "دمکراسی" جهان جلوه می دهند. اما نگاهی به این مظهر باصطلاح دمکراسی نشان می دهد که چگونه در پرتو سیاستهای ضد خلقی دولت هندوستان، این کشور به صحنه تاخت و تاز وحشیانه بزرگترین انحصارات و کمپانیهای امپریالیستی بدل گشته و مثنی از استثمارگران و مرتجعین حاکم، برای بر آوردن منافع سرمایه های غارتگر امپریالیستی، زندگی صد ها میلیون تن از فقیرترین و زحمتکش ترین مردم محروم این کشور را به ورطه نابودی کشانده و آنها را در چنبره فقر و گرسنگی و بیکاری و سرکوب نگاه داشته اند. تحت حاکمیت این باصطلاح بزرگترین دمکراسی است که هندوستان عملاً به زندان کارگران و خلقهای تحت ستم بدل شده و ده ها هزار تن از روشنفکران، انقلابیون و توده های مبارز در سراسر کشور بجرم آزادیخواهی و مخالفت با سلطه امپریالیسم و سرمایه داران زالوصفت در سیاهچالهای این کشور به سر می برند.

از سوی دیگر تبهکاری اخیر دولت هند در قتل "آزاد" در شرایطی صورت می گیرد که ارتش ضد خلقی این کشور در ماه های اخیر با هجوم به مناطقی که توده های ستمدیده در آن برای رهائی از شرایط ظالمانه حاکم بر زندگی اشان و بدست آوردن آزادی و دمکراسی واقعی دست به سلاح برده و با دولت سرکوبگر هند می جنگند، یک جنگ تمام عیاری را بر علیه مردم محروم هند سازمان داده است و از اعمال هیچ جنایتی بر علیه آنها خود داری نمی کند، در حالی که از انتشار اخبار این جنگ نیز خودداری کرده و آن را به صورت پنهانی پیش می برد. اقدام دولت هند در قتل "آزاد" در شکنجه گاه و سپس اعلام کشته شدن وی در درگیری مسلحانه، جنایتی آشکار می باشد که بدون شک با تداوم مبارزات آزادیبخش توده های زحمتکش هندوستان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع پاسخ خواهد گرفت، پاسخ کوبنده ای که همه دشمنان رنگارنگ کارگران و خلقهای تحت ستم این کشور را به زباله دان تاریخ خواهد ریخت.



## نکاتی در باره نشست های جی ۸

و جی ۲۰ در کانادا

## در جنگ با "بنیاد گرایی اسلامی" چه کسی در

پشت سر چه کسی است؟

اخیرا در جریان حثت پابی تضادهای درونی جناح های مختلف امپریالیستی در آمریکا بار دیگر اخباری منتشر شده که نشان می دهد بخشی از کمکهای مالی ارسالی دولت امریکا به افغانستان به دست نیرو های طالبان در این کشور می رسد. مطابق تحقیقاتی که در کنگره آمریکا صورت گرفته "ده ها میلیون دلار" به "جنگ سالاران محلی" افغانستان و مزدوران طالبان پرداخت شده تا در مقابل، آنها به کاروانهای تدارکاتی ارتش آمریکا حمله نکنند. در مورد جزئیات مکانیزم این انتقال پول به دست طالبان، گفته شده که پنتاگون این پولها را به شرکتهای خصوصی امنیتی داده تا صرف تامین امنیت کاروانهای حامل تدارکات و مواد غذایی و تسلیحاتی برای سربازان این کشور شود. از این طریق است که ده ها میلیون دلار از منابع مالی آمریکا به دست "جنگ سالاران"، "فرماندهان محلی"، و احیاناً "طالبان" رسیده است. به اعتراف یکی از اعضای دمکرات کمیته تحقیقاتی کنگره، "این پول یک منبع مالی چشمگیر بالقوه برای طالبان" بوده است. همچنین مطابق اظهارات کارمندان کمپانی های خصوصی امنیتی و نظامی درگیر در تامین امنیت کاروانهای آمریکایی، پولهای پرداخت شده به "جنگ سالاران محلی" و "دیگران" صرف "تامین مالی شورشیان" در افغانستان شده که کسانی جز نیروهای موسوم به طالبان و القاعده نیستند. شایان ذکر است که در سالهای اخیر مدارک و شواهد متعددی در باره روابط بین طالبان و القاعده با برخی محافل قدرتمند امپریالیستی بویژه در آمریکا منتشر شده که همگی آنها دال بر این واقعیت است که برخی جناحهای امپریالیستی با کمک های مالی و تسلیحاتی به طالبان، شعله جنگ با "تروریسم" و "بنیاد گرایی اسلامی" در این منطقه را روشن نگاه داشته و از این ابزار برای توسعه حضور نظامی و گسترش سلطه امپریالیسم در منطقه استفاده کرده اند. البته این واقعیت گاهی به خاطر تضاد بین محافل گوناگون امپریالیستی در اینجا و آنجا افشا می گردد. در همین رابطه بطور مثال، دولت کروزای چندی پیش دو مقام بلند پایه سازمان ملل، که بطور سری با رهبران طالبان ملاقات کرده و به آنها پیشنهاد کمکهای مالی و تسلیحاتی داده بودند را پس از افشای این رسوایی، از خاک این کشور اخراج کرد. گزارش اخیر کنگره آمریکا، بار دیگر گوشه ای از ارتباطات بین قدرتهای امپریالیستی و دار و دسته های مرتجع و وابسته نظیر طالبان را در معرض دید همگان می گذارد. این گزارش همچنین گوشه ای از مکانیزمهای پیچیده تغذیه مالی و تسلیحاتی جریانهای نظیر طالبان که در خدمت پیشبرد سیاستهای جنگ طلبانه قدرتهای امپریالیستی آفریده شده و عمل می کنند را نشان می دهد و به نوبه خود روشن می کند که در جنگ بر علیه "تروریسم" چه کسی در پشت سر چه کسی است.

یکی از عمیق ترین بحرانهای ذاتی خود گرفتار آمده است. این بحران به قدری عمیق و تأثیرات مخرب آن در زندگی کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کشورهای تحت سلطه به قدری گسترده و آشکار است که دیگر جایی برای تبلیغات ضد خلقی و ارتجاعی بلندگوهای این نظام مبنی بر "جاودانگی" عمر "سرمایه داری" و قابلیت این نظام برای "حل" مشکلات جامعه بشری و نیل به "دمکراسی" و دروغهایی از این دست، باقی نگذاشته و این تبلیغات امروز دیگر هر چه بیشتر رنگ باخته و با تمسخر و خشم توده ها مواجه شده است.

شرایط عینی و واقعیات روزمره زندگی صد ها میلیون تن از کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم دنیا هر روز که می گذرد با شدت بیشتری بر ضرورت نابودی نظام ارتجاعی کنونی به مثابه عامل اصلی فقر و گرسنگی و جنگ و بیکاری و ستم و استثمار تاکید می کند. این واقعیت بود که یک بار دیگر در تظاهرات وسیع و پرشکوه مردم در کانادا خود را در مقابل چشمان وحشتزده بزرگترین قدرتهای استثمارگر جهان نشان داد.

نشست رهبران بزرگترین قدرتهای امپریالیستی موسوم به نشست "جی ۸" و "جی ۲۰" که برای بررسی مسائل و مشکلات نظام سرمایه داری و در شرایط کنونی یافتن باصلاح راه های "برون رفت از بحران" در کانادا برگزار شد، در بستر تظاهرات گسترده مردم آزادخواه به فرصتی تبدیل شد تا ماهیت سرکوبگرانه نظام سرمایه داری هر چه بیشتر در مقابل توده های جهان به نمایش گذاشته شود. و این درشرایطی رخ داد که نشست که قرار بود برای برون رفت از بحران چاره جویی کند، با بن بست روبرو شده و به این ترتیب عمق این بحران و عدم امکان علاج آن در چارچوب سیستم پوسیده حاکم را در مقابل همگان و از جمله چشمان بیشرم بزرگترین سیاستمداران و کارشناسان نظام سرمایه داری قرار داد.

فریادهای خشم و ناراضی ده ها هزار تن از مردم و جوانان و پژواک شعارهای "مرگ بر سرمایه داری" و "زنده باد سوسیالیسم" در طول برگزاری این نشست، حتی یک لحظه هم "عالیجنابان" گرد آمده برای پیدا کردن راه برون رفت از بحران را لحظه ای راحت نگذاشت. پلیس هار سرمایه داری در کانادا نیز که از ماه ها قبل توسط دولت کانادا با صرف مقادیر معتابیهی از بودجه دولتی تا بن دندان برای مقابله با تظاهرات توده ای آماده شده بود با سرکوب وحشیانه تظاهر کنندگان و دستگیری صد ها تن از آنان، ماهیت واقعی "دمکراسی" این نظام را در طول برگزاری این نشستها به نمایش گذارد. با این وجود توده های عاصی از استثمار و مظلوم سرمایه داری و بویژه جوانان مبارز، در طول روز های برگزاری این نشستها خیابانهای شهر تورنتو کانادا را به صحنه اعتراض بر علیه گردانندگان این نظام بدل ساخته و با حمله به برخی مظاهر و سمبلهای سرمایه داران و درگیری با پلیس سرکوبگر کانادا تا آنجا که توان داشتند عمق خشم و نفرتشان بر علیه سرمایه داری را به نمایش گذاردند.

مطابق گزارشات خود بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی نشست های نمایندگان این بزرگترین قدرتهای امپریالیستی در فضایی مملو از تنش و اختلاف نظر با عدم موفقیت مواجه شد. تا آنجا که رهبران بزرگترین قدرتهای سرمایه داری عملناتوانستند به هیچگونه راه حل واحد و یا حتی اقدامی جهت مقابله با بحران نظام سرمایه داری دست یابند. تا جایی که برخی از کاربدستان خود نظام امپریالیستی در بحبوحه این نشست ها اعلام می کردند "بحران این بار سرمایه داری" با وصله و پینه "حل" نخواهد شد (سارا واگنکنشت عضو رهبری حزب چپ جدید آلمان ((DIE LINKE) و عضو پارلمان اروپا) و به این ترتیب بن بست که امپریالیستها در آن قرار گرفته اند را به نمایش می گذاردند. اما چنین واقعیتی را تظاهرات مردم معترض در تورنتو با گویائی هر چه بیشتری در سراسر جهان سرمایه داری پژواک دادند. در این تظاهرات خواست توده ها برای الغای فقر و گرسنگی و بیکاری، محو جنگ، محو ستم طبقاتی و جنسیتی، برای برابری و آزادی با شدتی هر چه رساتر، فریاد زده شد و امواج آن به گوش تمامی مردم دنیا رسید. عزم و پیگیری مبارزاتی تظاهر کنندگان در تورنتو که در تمامی روزهایی که نشست برگزار می شد برغم تمامی تمهیدات مرعوب کننده و سرکوب وحشیانه پلیس به خیابان آمده بودند، در شرایطی متجلی شد که نظام سرمایه داری جهانی در



**جنایت وحشیانه دولت هندوستان در حق مبارزین محکوم است!**



الیاس آزاد مبارز هندوستانی

بنا به گزارشات منتشره از سوی نیروهای مبارز در هندوستان، چریکوری راج کمار الیاس آزاد (Cherukuri Rajkumar alias Azad) یکی از رهبران حزب کمونیست هندوستان (مائوئیست) در جریان یک جنایت وحشیانه توسط سرویسهای امنیتی دولت هندوستان به قتل رسید. آزاد یکی از چهره های مبارز و محبوب در میان توده های تحت ستم این کشور بود که سالها بر علیه سلطه امپریالیسم و مرتجعین حاکم بر هندوستان جنگیده بود و دولت هند برای دستگیری او جایزه هنگفتی تعیین کرده بود. در تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۰ مقامات دولت هند با انتشار عکسی از جسد آزاد در حالیکه یک اسلحه در کنار او قرار داشت با پیشرمی تمام مدعی شدند که او در درگیری مسلحانه با نیروهای ارتش در منطقه عادل آباد کشته شده است. اما حزب کمونیست هندوستان و منابع بی طرف گزارش داده اند که "آزاد" و یک روزنامه نگار غیر دولتی در تاریخ اول جون سال جاری پس از لو رفتن محل استقرارشان، در جریان یورش نیروهای امنیتی به منطقه "نگپور" زنده به دست نیروهای امنیتی افتادند. مزدوران دولت هند نخست به مدت یکماه آزاد را در محلی نامعلوم زندانی و شکنجه کرده و بعدا به قتل رساندند. آنها سپس برای لاپوشانی این جنایت وحشیانه مدعی شدند که وی در جریان درگیری و آتشباری به نیروهای نظامی هند کشته شده است. جنایت اخیر دولت هند نه تنها خشم و نفرت توده های زحمتکش هندوستان را برانگیخته و ماهیت ضد خلقی رژیم جنایتکار حاکم بر این کشور را هر چه برجسته تر در مقابل افکار عمومی به نمایش گذارده است بلکه باعث انزجار کمونیستها و آزادیخواهان جهان گشته است.

این جنایت ردیلانه در شرایطی توسط دولت سرکوبگر هند انجام میگردد که بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها با بوق و در صفحه ۲

**به یاد مادر انقلابی، روح انگیز دهقانی**



تیر ۱۳۸۹

**راز یک لیخند!**

آه ای تبسم همیشه جوان ،  
 سالها می گذرند از بی هم ،  
 قرنهایی هم نیز  
 سبری خواهد شد  
 راز این لیخند ،  
 اما تیری ست  
 - بر دو چشم خوفناک ازدها -  
 زهر این طغنه ولی  
 دشنه ای تشنه و پر کینه ست  
 - بر قلب فرزت تیرگی -  
 اینک به سخن آی و بگو  
 که در این فله اوج  
 و در این وادی اسرار آلود  
 به کدامین گل سحرآمیز آراسته ای؟  
 آه ای راز ماندگار!  
 آه ای تبسم همیشه جوان "روح انگیز"!

جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته چریکهای فدایی خلق ایران که در ۸ تیر ماه ۱۳۵۵ و ۱۳۶۰ بدست دزخیمان دو رژیم سرکوبگر شاه و جمهوری اسلامی، با در میادین نبرد و با بر فراز چوبه های دار جان باختند و خون سرخ خود را وثیقه آزادی کارگران و خلقهای ستمدیده ایران نمودند!

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: [ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

**پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!**

